

## اهمیت عدد «سه» با نگاهی به دیوان خاقانی

دکتر اسماعیل شفق

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

علیرضا نیازی وحدت\*

### چکیده

پیشینه اهمیت اعداد در پدیده تقدسگرایی در اندیشه انسانهای جوامع ابتدایی ریشه دارد. بشر از دیر باز به ویژگی سحرانگیز اعداد معتقد بوده و به همین دلیل در طول قرون متمادی به برخی از اعداد تا حد تقدس اهمیت داده است؛ این پدیده نه تنها در فرهنگ عامه جوامع بشری بلکه در زمینه‌های مختلف ادبیات آنها نیز مجال ظهور و بروز یافته است. ملل مختلف دنیا با توجه به اساطیر اولیه تمدنهایشان به اعدادی خاص اهمیت داده و حتی آن را تقدیس کرده‌اند. بدین ترتیب مکاتب مختلفی به وجود آمده است که هر کدام به نوعی براساس تقدیس عددی خاص به تنظیم ایدئولوژی خود اقدام کرده‌اند و این خود بمراتب مجرایی برای ورود برخی اعداد مهم و گاهی مقدس درون ادبیات شده است؛ در این میان شاهد انعکاس گسترده اعدادی خاص در حیطه ادبیات پارسی هستیم که بسامد آن به نسبت مقطع زمانی و موقعیت جغرافیایی در نوسان است. این مقاله تلاشی است برای بررسی پیشینه اهمیت عدد «سه» و کاربرد آن در دیوان خاقانی.

**کلید واژه‌ها:** اساطیر ملل، اعداد خاص، شعر خاقانی، ادبیات کلاسیک، عدد «سه».

۷۱



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۶، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/ ۸/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/ ۹/۱۸

\* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

## مقدمه

در مورد اعداد و نقش آنها در متون ادبی، کتابها و مقالات متعددی نگاشته شده است: «اسرار و رموز اعداد و حروف» نوشته احمد آقا شریف، «هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری» نوشته زهره والی، «هفده» محمد جعفر محبوب، «عدد هفده» نوشته ابراهیم قیصری، «هفت دریا» نوشته دکتر سید جعفر حمیدی، «هفت رمز نمادین فروهر» تألیف رحیم چاوش اکبری، «هفت در قلمرو فرهنگ جهان» نوشته مؤید شریف محلاتی، «هجده هزار عالم» نوشته محمد پروین گنابادی و بسیاری دیگر که هر کدام به گونه‌ای در پیشینه اهمیت این اعداد به فحص و جستجو پرداخته و شواهدی از کاربرد آنها را نیز در نظم و نثر فارسی به دست داده‌اند؛ لیکن عدد «هفت»، سهم بیشتری را در این مقالات و کتابها دارد که کاملترین تحقیق در مورد این عدد، نوشته گرانسنگ مرحوم استاد معین در «تحلیل هفت پیکر نظامی» است. نگارندگان برآنند که جلوه‌های عدد «سه» را به این دلیل که به گستردگی عدد «هفت» مطرح بوده ولی مورد فحص و بحث کمتری قرار گرفته است با سندیت دیوان خاقانی بررسی کنند که کاربرد چشمگیری در خصوص این عدد در اشعار خود دارد.

## عدد «سه» در اساطیر

این عدد به همراه مضریش «نه» در اساطیر مختلف، نماد صلاح و کمال و اتمام است. به همین دلیل است که مرحله نخستین خدایان به صورت تثلیث ظهور کرده است (هینلز، ۱۳۸۳: ص ۴۹۷ و نشاط، ۱۳۶۸: ص ۲۶۱). در آیین زرتشتی به دو تثلیث «اهورامزدا-سپندمینو-انگره مینو» و «ژروان - اهورامزدا- اهریمن» برمی‌خوریم. در آفرینش انسان نیز در این آیین تثلیث پیداست: «مشی» و «مشیان» و «فرّه ایزدی» هر سه با هم از «ریواس» می‌رویند به طوری که از هم قابل شناسایی نیستند (بندهش، ۱۳۸۰: ص ۸۱). زرتشتیان اهمیت ویژه‌ای برای عدد «سه» قائلند. در این آیین آتش بر سه گونه «آذر بهرام، آذرآذران و آذرادگاه» بوده، هر آتشی را سه بار تطهیر می‌کنند (بهار، ۱۳۷۵: ص ۱۳۸). اصول دین زرتشت نیز بر سه اصل «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» بنیان نهاده شده است آن‌چنانکه در زمان حسابرسی آخر زمان هم فاصله گامهای مؤمن تا بهشت بر «پل چینوت»، «سه گام» ذکر شده است (دانت، ۱۳۸۰: ص ۱۰۴۵). آنها کمربند مخصوص خود (کُستی) را سه بار دور کمر می‌پیچند که آن هم نمادی از سه اصل

«پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» است (چاوش اکبری، ۱۳۸۱: ص ۱۹۱). در بازی نرد نیز «سه خال» تاس مظهر این اصول سه‌گانه دانسته شده است (شریف محلاتی، ۱۳۳۷: ص ۱۷۹). در نگاره‌ای از فروهر، دو بال افراشته می‌بینیم که هر بال آن پرهای «سه طبقه» دارد و تمثیلی از پرواز فروهر انسان با بالهای پندار و گفتار و کردار نیک به سوی موطن ابدی و ازلی است (چاوش اکبری، ۱۳۸۱: ص ۱۷۷). زرتشت خود نیز همچون دیگر انسانها سه عنصر «فره، فروهر و جوهر» دارد (آموزگار، ۱۳۸۴: ص ۷۹ و ۸۱) و سه پسر او یکی پس از دیگری در پایان هر هزاره به عنوان منجیان جهان ظهور خواهند کرد (پورداد، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۰۱).

اساطیر ملی (حماسه) ما نیز حاوی مضامین عددی است که این موضوع در شخصیت‌های حماسی از دو جهت قابل پیگیری است: نخست اینکه تأثیر اعداد در مدت زمان سلطنت یا زندگی آنان تجلی یافته و از طریق اعمال و رفتاری که از آنان سرزده بر زندگی مردم تأثیرات شگرفی نهاده است. در این مورد می‌توان به اقدام «جمشید» در سه بار فراخ کردن زمین (آموزگار، ۱۳۸۴: ص ۵۳) و ساخت «ور» (قلعه) در سه طبقه برای جلوگیری از زمستانهای وحشتناک «ملکوسان» اشاره کرد (بهار، ۱۳۷۵: ص ۲۱۷-۲۲۱). دوم تجلی اعداد در مفاهیم نامهای اساطیری است به این صورت که در برخی روایات ایرانی این نامها معانی رمزی دقیقی را دربرمی‌گیرد. در این زمینه می‌توان نام «فریدون» را ذکر کرد که در زبان اوستایی «ثراته ثونه» و به معنای سه نژاد است و در نهایت مفهوم سه بهره شدن جهان را می‌رساند (شریعتی، ۱۳۷۸: ۳۵ و بندش، ۱۳۸۰: ص ۱۵۰). این فرایند با تقسیم جهان میان سه فرزند فریدون (ایرج، سلم و تور) اتفاق می‌افتد. فریدون را در داشتن سه فرزند می‌توان به نوح (ع) مانند کرد؛ زیرا او نیز با وجود پسرانش (حام، سام و یافث) منشأ سه نژاد مختلف بوده است. از طرفی جمشید در اوستا دارای سه فره یا فره‌ای با سه جلوه است: «فره خدایی - موبدی، فره شاهی و فره پهلوانی» (بهار، ۱۳۷۵: ص ۲۲۶) و نیز او اولین پادشاهی است که به طبقه‌بندی جامعه اقدام کرده است. در زمان او جامعه به سه طبقه «روحانیون، رزمیان و برزگران» تقسیم می‌شد (صفا، ۱۳۸۴: ص ۴۴۴). در برخی از اساطیر غیر ایرانی نیز شاهد جلوه‌هایی از این عدد هستیم؛ به طور مثال در اساطیر چکسلواکی خدای «تریگلاو» سه سر دارد و به سه امر مهم (مذهبی و جنگی و معیشتی) می‌پردازد (آقا شریف، ۱۳۸۳: ص ۸۰).

تثلیتها نیز به نوعی گویای اهمیت عدد «سه» است؛ برای نمونه تثلیث در اساطیر مانوی دو بار صورت می‌پذیرد: «پدر عظمت - مادر زندگی - انسان نخستین» و «دوست روشنان - بنای بزرگ - روح زنده»؛ ضمن اینکه پدر عظمت (آفریننده بزرگ) تنها «سه» بار به خلقت دست می‌زند: بار نخست «مادر زندگی» و بار دوم «دوست روشنان» و بار سوم «ایزدنریسه» را می‌آفریند (اسماعیل پور، ۱۳۸۱: ص ۱۰۳-۱۰۱). در اساطیر مصری نیز گهگاه به تثلیث برمی‌خوریم؛ همچون تثلیث «اوزیریس - ایزیس - هوروس» (ویو، ۱۳۷۵: ص ۲۹). شاید بتوان اهرام ثلاثه مصر را نیز نمادی از اهمیت عدد «سه» دانست.

در اساطیر هندی، عدد «سه» در چشم‌انداز نخست در تقسیم‌بندی خدایان هندی نمایان می‌شود:

۱. خدایانی که منزلگاهشان در زمین است.
  ۲. خدایانی که منزلگاهشان در جو یا فضا است.
  ۳. خدایانی که منزلگاهشان در آسمان است (جلالی‌نابینی، ۱۳۷۲: ۱۲۲-۷۲). تثلیث «برهما- ویشنو- شیوا» نیز از تثلیث‌های اساطیر هندی است (ایونس، ۱۳۷۳: ص ۶۵).
- جایگاه‌های تجلی نور، که در آسمان به صورت خورشید در فضا به شکل صاعقه و در زمین به هیئت آتش است، چشمان سه گانه «مهادیو» و گام‌های طی شده توسط «ویشنو»، دختران سه گانه «ماره» (سرور ارواح اهریمنی) و... همه نشان از اهمیت عدد «سه» در این فرهنگ است. در اساطیر چین نیز عدد «سه» در کنار اعداد «پنج و هفت» متجلی و دارای اهمیت است (دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۷۲۰). نوعی تثلیث در مکتب «تائوئیسم چینی» دیده می‌شود که معتقد به سه اصل حیات به عنوان سه پروردگار با نام‌های «احدیت نخستین آسمانی - احدیت گرانبهای آسمانی - احدیت آسمانی طریقت» بوده است (چینگ، ۱۳۸۳: ص ۱۷۶).

با مطالعه اساطیر ملل مختلف، اهمیت برخی اعداد در آنها به وضوح آشکار می‌گردد. در اساطیر چینی آمده است که در ابتدای پیدایش جهان، آسمان و زمین به صورت پوسته‌های زبرین و زیرین یک تخم اولیه بوده که در مدت هجده هزار سال و روزانه «سه» متر از هم فاصله گرفته است (کریستی، ۱۳۷۳: ص ۷۶-۷۳).

در اساطیر یونان، تثلیث سه خدای بزرگ «ژئوس - هرا - آتنا» جلوه‌گاه اهمیت و شاید تقدس عدد «سه» است (فاطمی، ۱۳۷۵: ص ۵۱). برخی از ابزارهای خدایان نیز نماد

این عدد را در خود دارد؛ از جمله: سه شاخه آهنین نپتون، سه پایه‌ای که هاتف آپولون روی آن می‌نشست و پیشگویی می‌کرد (همان: ص ۳۴۳) و همچنین نیزه «پوزئیدون» که دارای سه شاخه بود (هومر، ۱۳۷۹: ص ۹۵). همچنین در اساطیر یونان، گاهی حاصل ازدواج زئوس با یکی از بغ بانوان، محصولی سه‌گانه است همچون حاصل ازدواج «زئوس» با «تمیس» که خواهران سه‌گانه «هور»ها بودند یا فرزندان سه‌گانه «زئوس» با «اوری نمه» که «کاریت»های سه‌گانه را به وجود آوردند (فاطمی، ۱۳۷۵: ص ۷۷-۷۴).

### آیینها و مکاتب

در آیین مسیحیت، تجلی عدد «سه» در تثلیث «اب-ابن-روح القدس» نمایان است. حتی در حرکات شخص مؤمن مسیحی نیز این عدد دیده می‌شود چنانکه هنگام اعتراف به گناه (در آیین کاتولیک) شخص به زانو افتاده و سه بار دست را بر سینه می‌زند (دانت، ۱۳۸۰: ص ۶۹۲). این عدد در زندگی مسیح (ع) نیز نمود برجسته‌ای داشته به گونه‌ای که او را در سال سی‌ام تاریخ مسیحی، پانزدهم نیسان در روز جمعه «ساعت سه» مصلوب می‌کنند (هاکس، ۱۳۴۹: ص ۶۵۶) و در روز سوم مصلوب شدن زنده گشته و سه بار بر شاگردان خویش ظاهر می‌شود (اناجیل اربعه، ۱۳۷۵: ص ۱۱۲ و ۲۹۲). شاید ذکر این نکته بی‌ربط نباشد که کشیشان برای اینکه بر خواندن و تفسیر انجیل و تعلیم آن واقف شوند، «سه فن» دستور زبان، بلاغت و منطق را می‌آموختند (معین، ۱۳۳۸: ص ۱۶).

همچنین است در آیین یهود؛ جیمز هاکس می‌گوید: «یهودیان اعتقاد تام و تمامی بر عدد سه داشتند؛ چنانکه لفظ قدوس همواره در سه مرتبه متوالی ذکر می‌شد، برکت نیز بر سه گونه بود و دانیال سه ساعت معین و مختص برای نماز و دعا داشت» (هاکس، ۱۳۴۹: ص ۶۰۰) و باید اضافه کرد که ازدواج ایشان با سه گواه انجام می‌شد و نیز در هر سال بر آنان سه بار حج گزاردن واجب بود (مقدسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۵۸۱-۵۸۰).

در متن تورات به ذکر موارد متعددی از عدد «سه» برمی‌خوریم: مادر موسی (ع) پس از زایمان سه ماه کودکش را پنهان کرد و بعد در آب انداخت (سفر خروج، ۲: ص ۲). خداوند برای نزول بلا بر شهر «سُدوم» (شهر قوم لوط) سه فرشته موکل کرد (سفر تکوین، ۱۸: ص ۲)؛ همچنین خداوند به موسی (ع) فرمان داد که هر ساله سه مرتبه برای او عید نگاه دارد (سفر خروج، ۲۳: ص ۱۴).

یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر، برادران خود را، که به استغاثه آمده بودند به دلیل روشن شدن ادعاهایشان، «سه‌روز» محبوس کرد (سفر تکوین، ۴۲: ص ۱۷).

«استر» پس از شنیدن حکم قتل یهودیان به «مُردخای» پیغام داد تا به نیت او «سه» روز و «سه» شب را روزه بگیرند و به این طریق او را در رفتن به نزد پادشاه یاری کنند (کتابهایی از عهد عتیق، ۱۳۸۰: ص ۱۵۹). نیز یهودیان معتقدند که در عید «راش هشنا» (نخستین روز ماه تشرین) خداوند تمامی گناهان آنان را می‌بخشد مگر سه گناه (زنای محصنه، ستم مرد بر برادرش و انکار پروردگاری خدا) (مقدسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۵۸۰).

عدد «سه» در اسلام نیز بازتاب گسترده‌ای دارد؛ به فرموده امام علی (ع)، خداوند کلام خود را «سه» قسمت کرده است که قسمتی را عالم و جاهل درمی‌یابند و قسمت دیگر را تنها کسانی که صفای باطن دارند، می‌فهمند و در نهایت قسمی دیگر از سخن خداوند را منحصرأ جز خدا و راسخون در علم نمی‌دانند (امین، ۱۳۸۱: ص ۵۷).

این عدد در قرآن کریم در حکایت شتر صالح (ع) به عنوان تعداد روزهای مهلت داده شده به قوم صالح تا رسیدن عذاب (۱۱: ص ۶۵) و نیز سه روز، روزه سکوت پیش از اعطای یحیی به زکریا (۳: ۴۱) و همین مدت روزه در کفاره شکستن سوگند (۵: ۸۹) یاد شده، و در مورد کسی که در حج، فرصت قربانی کردن نیابد، فرمان سه روز روزه گرفتن داده شده است (۲: ۱۹۶). در برخی از روایات، روزه‌داری در روز سوم ذی الحجه را، که روز پذیرفته شدن توبه داود (ع) بوده است، پرتواب می‌دانند (شریف محلاتی، ۱۳۳۷: ص ۱۶۳). اگرچه برخی روایات دیگر روز «سوم» هر ماه را در کنار روزهای پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیست و یکم، بیست و چهارم و بیست و پنجم، نحس پنداشته و برخی اعمال را (عروسی، سفر و جامه نو پوشیدن) منع کرده‌اند (همان، ص ۱۷۴).

در داستان معراج پیامبر اکرم (ص) آمده است که آن حضرت در بیت المقدس با سه تن از پیامبران (ابراهیم، موسی و عیسی) دیدار کرده است و با ایشان نماز گزارد و نیز در موضعی دیگر برای او سه ظرف حاوی آب و شیر و عسل آوردند که پیغمبر با اشارت جبرئیل، شیر را نوشید (مقدسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۶۶۳-۶۶۲). پیامبر اکرم (ص) خود نیز در کنار اعداد هفت و چهل، عدد «سه» را عددی کامل و مؤثر می‌دانستند؛ انقروی در شرح مثنوی می‌نویسد:

هر وقت منظور پیغمبر نفع رساندن و افاده بسیار بود می‌گفت: السلام‌علیکم، السلام‌علیکم، السلام‌علیکم؛ هر وقت برای کمال ایضاح و تفهیم سخن می‌گفتند، یک

اهمیت عدد «سه» با نگاهی به دیوان خاقانی

کلام را سه بار تکرار می‌کردند. همچنین سه بار غسل کردن را آن حضرت برای خویش سیرت و طریقت کرده بود (انقروی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۲۵).  
بر همین اساس احادیث زیادی از پیامبر اسلام (ص) و ائمه نقل شده است که برای عدد «سه» اهمیت و حتی تقدس قائل شده‌اند.  
امام صادق (ع) اجزای عمده و اساسی نماز را سه چیز دانسته است: طهارت، رکوع و سجود (شیخ صدوق، ۱۳۶۷: ۱، ۶۰). در روایت است که عثمان بن عفان، مرتدان را سه بار به اسلام دعوت می‌کرد و در صورت عدم اجابت، آنان را می‌کشت (الهندی، ۱۳۹۰: ج ۳۱۳، ۱).  
از پیامبر (ص) نقل است: هنگامی که از خواب برمی‌خیزید، قبل از وضو گرفتن، سه بار دستتان را بشویید (نسائی، ۱۳۴۸: ج ۱، ۷).  
در رساله‌ها نیز آمده است که نجاست از سه راه ثابت می‌شود؛ مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت و واجب است که میت را سه غسل دهند (چهار مربع، ۱۳۸۴: ۱۹ و ۴۴ و ۱۴۳).

### عرفان و تصوف

عرفان و تصوف جلوه‌گاه دیگری برای این عدد است. یکی از آیین‌هایی که در تصوف براساس عدد «سه» شکل گرفته، آیین فتوت و جوانمردی است. فتیان برای پیامبری به سه مرحله مهم قائلند: حضرت آدم (ع) را نقطه آغاز، حضرت ابراهیم (ع) را قطب و سرانجام حضرت محمد (ص) را خاتم می‌دانند و نیز برای بنیان فتوت سه مرحله قائلند؛ پایه‌گذاری آن را به حضرت ابراهیم (ع)، مرحله دوم را به حضرت علی (ع) و مرحله نهایی را به امام زمان (عج) منسوب می‌دارند (کرین، ۱۳۸۵: ص ۲۰).  
در «شوالیه‌گری» اروپایی نیز، که نوعی از فتوت غربی محسوب است، عدد «سه» حضور چشمگیر دارد به این صورت که جوان طالب شوالیه‌گری در کلیسا حضور یافته در برابر شوالیه بزرگ و سابقه‌داری قرار می‌گرفت و شوالیه بزرگ با پهنای شمشیر به نشانه توبه «سه‌بار» بر شانه‌های او می‌زد و بدین ترتیب ورود او را به جرگه شوالیه‌ها اعلام می‌کرد (همان: ص ۴).

عرفا عدد «سه» را در کنار برخی دیگر از اعداد مشهور با اهمیت می‌پنداشته‌اند؛ چنانکه محمد بن منور، دلیل تبویب کتابش (اسرارالتوحید) را بر سه بخش چنین توضیح می‌دهد:

«چون احوال جمله آدمیان و مرتبه کارها از سه وجه بیرون نیست: ابتدا و وسط و نهایتها، این مجموع بر سه باب نهاده آمد» (محمد بن منور، ۱۳۷۸: ص ۲۳). رشیدالدین میبیدی نیز در مقدمه تفسیر بزرگ خود (کشف‌الاسرار) می‌گوید: «و شرط ما در این کتاب آن است که مجلسها سازیم بر ولا و در سه نوبت سخن گوئیم...» (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۳۸۰) و بدین ترتیب آیات قرآنی را در سه مرحله تفسیر می‌کند. صوفیه برای انسان سه گونه مرگ قائل هستند؛ در گلشن راز آمده است:

سه گونه نوع انسان را ممات است  
 یکی هر لحظه وان برحسب ذات است  
 دو دیگر زان ممات اختیاری است  
 سیم مردن مر او را اضطراری است  
 (شستری، ۱۳۶۵: ۹۴)

رخصت اهل دل را نیز در سه حال دانسته‌اند:

که رخصت اهل دل را در سه حال است  
 فنا و شکر و سه دیگر دلال است  
 (همان: ۹۷)

در مباحث عرفانی، صدقه را نیز سه نوع دانسته‌اند: صدقه در مال (بخشش بی‌منت)، صدقه به تن (جستن راحت کسان با رنج تن خویش) و صدقه به دل (خیرخواهی برای کسان و زدودن اندیشه بد از دل) (دلفی، ۱۳۶۲: ص ۱۲۱-۱۲۰).

معروف کرخی علامت جوانمردان را «سه» چیز معرفی نموده و حاتم اصم شهوت را در «سه» مورد خلاصه کرده (جلابی‌الهجویری، ۱۳۸۲: ص ۱۴۱) است. نیز همو علائم شناخت پرهیز انسان را «سه» مورد دانسته است (قشیری، ۱۳۸۵: ص ۳۷). همچنین به جملاتی از قبیل «توبه بر سه قسمت بود... نشان توکل سه چیز است... شکر بر سه قسم است. زهد سه حرف است... راه خدای بر سه قسم است... مردمان اندر ادب سه قسمند... مرتبه کارها از سه وجه بیرون نیست و... بسیار برمی‌خوریم که دلیلی بر اهمیت این عدد در متون عرفانی است.

در جهان‌شناسی عرفانی در کل سخن از «سه‌خال» می‌رود که از عالم لاهوت نمایان شده‌اند که همان سه صفت خداوندی یعنی آفریدگاری، پروردگاری و فناگری را عیان کرده‌اند (مدیر روستا، ۱۳۸۱: ص ۴).



عدد «سه» علاوه بر این موارد در آیینهای بت پرستی نیز نمود داشته است؛ چنانکه اعراب سه بت «صدا و صمودا و هرا» و سه ایزد بانوی قمری «لات و منای و عزى» را می پرستیده اند (آقا شریف، ۱۳۸۳: ص ۸۱). برخی این عدد را تمثیلی از آفرینش دانسته و دلیل سه گانه گرایی ادیان را نیز در همین موضوع دیده اند (همان: ص ۷۰). همچنین در مباحث فلسفی «فلوتین»، یکی از نظریه پردازان نوافلاطونیان معتقد به سه جوهر «احد، روح و نفس» بود؛ در نظر آنان، نفوس مشتاق رجعت به منشأ کل، باید سه مرحله هنر، عشق و حکمت را طی می کردند (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۱۳۱). نیز گفته اند عدد مثلث، نیکوترین رموز طبیعت است؛ چرا که گوشه های سه گانه آن بر موالید سه گانه طبیعت دلالت دارد (آقا شریف، ۱۳۸۳: ص ۹۲). آخرین سنگ قلعه اهرام ثلاثه مصر نیز مظهر سه گوش آتش الاهی است که از عالم بالا می درخشد و نور می پاشد (پیربایار، ۱۳۷۶: ص ۱۶۶).

ناصر خسرو در جامع الحکمتین، مجموع عقل را که یکی از هفت نور ازلی است، دارای سه مرتبه دانسته است: عقل، عاقل و معقول (معین، ۱۳۳۸: ص ۲۷).

عدد «سه» در تعداد ماه های فصول سال نیز رمزی از کمال را نشان می دهد: ماه اول، «آغاز»، ماه دوم «میان» و ماه سوم «پایان و کمال» فصل محسوب است. همچنین است در اعمال مذهبی: اوقات سه گانه نماز، نمازهای سه رکعتی، اذکار سه گانه، روزه های سه روزه و...؛ به طور مثال مُنداییها عدد «سه» را در وضو گرفتنشان بشدت رعایت می کردند؛ چنانکه هر عضو لازمه شست و شو را سه بار می شستند (آقا شریف، ۱۳۸۳: ص ۹۱-۹۲). نیز عدد «سه» در قرعه کشی های اعراب بادیه نقشی کلیدی داشت. آنها با سه تیر قرعه می زدند که بر هر کدام یکی از این سه عبارت نوشته شده بود: «انجام بگیرد، انجام نگیرد؛ پوچ» (همان: ص ۸۱).

طبقه بندی جوامع ابتدایی هم بر این عدد استوار بوده است؛ همچون طبقه بندی جامعه آریاییها که شامل «روحانیون، کشاورزان و رزمیان» ذکر شده است (باقری، ۱۳۸۵: ص ۴۹).

علاوه بر اینها در طبیعت نیز بسیاری از امور به سه قسم منقسم است؛ از جمله: ابعاد سه گانه (طول و عرض و عمق)، ازمنه سه گانه (حال و گذشته و آینده)، موالید سه گانه (جماد و نبات و حیوان)، اعداد سه گانه (کامل و زائد و ناقص)، وجود سه گانه (ممکن،

واجب و ممتنع) و... حتی در عوالم ماوراءالطبیعه نیز به سه جهان: دوزخ، برزخ و بهشت قائل شده‌اند.

قبایل «دو گونه و بامبارا» (از قبایل افریقایی در کشور مالی) عدد «سه» را رمزی از اندام نری و برای حرکت می‌انگاشتند. در روانشناسی جدید نیز «فروید» این عدد را نمادی از پدیده جنسی دانسته است (آقا شریف، ۱۳۸۳: ص ۷۰). در متون ادبی- تاریخی ما آمده است که سلطان محمود پس از شنیدن رباعی معروف عنصری در مورد زلف ایاز «بفرمود تا جواهر بیاورند و سه بار دهان او پر جواهر کرد» (نظامی عروضی، ۱۳۷۹: ص ۵۹) و نظر ابن‌سینا این است که خداوند «چون تن را بآفرید، سه عضو شریف از وی برگزید و اندر هر یکی روحی بنهاد چنانکه حیوانی اندر دل بنهاد و طبیعی اندر جگر و نفسانی اندر دماغ...» (ابن‌سینا، ۱۳۶۶: ص ۸۱).

کاربرد وسیع و اهمیت زیاد عدد «سه» در جوامع کهن، سینه به سینه و فرهنگ به فرهنگ، ادامه یافته و پیش آمده و در تمدن‌ها و فرهنگ‌های امروزی نیز متجلی شده است. کاربرد زیاد این عدد در فولکلور نیز دلیلی بر این مدعاست: «سه آبه کردن» (در مورد شستن چیزی)، «سه طلاقه کردن» (کنایه از دور افکندن چیزی)، «سه کله» (کنایه از مجموعه ناموزن) و اصطلاحات عامیانه «تا سه نشه‌بازی نشه» و «یکی کمه، دو تا غمه، سه تا خاطر جمعه» (مثل رایج در داشتن فرزندان) و... نمونه‌های دیگری از این دست است. از سویی در بیشتر نقاط کشور ما برای اموات، مراسم یاد بود روز سوم برگزار می‌کنند که این موضوع نیز در عقاید زرتشتی ریشه دارد؛ زیرا آنان معتقد بودند که روح اشخاص، پس از مرگ تا سه روز در کنار جسد باقی می‌ماند (باقری، ۱۳۸۵: ص ۵۲).

«سه» در ترکیبات اسمی: «سه هزار» (مکانی جغرافیایی در تنکابن)، «سه گنبدان» (نام قلعه‌ای در شیراز)، «سه سنبل» (نام نوعی سبزی) و «سه پستان» (نام نوعی دارو) نیز جلوه‌گر است (نشاط، ۱۳۶۸: ۴۳۷-۴۳۲).

### خاقانی و «سه»

ترکیبات عدد «سه» در دیوان خاقانی در موارد زیر دسته‌بندی شده است:

۱. ترکیباتی که کنایه از موالید سه‌گانه (جماد، نبات و حیوان) است:

«سه ارواح» (۲، ۵۲)، «سه نوع» (۵۲، ۴۳۰)، «سه نتایج» (۱۸۰)، «سه مراتب» (۳۴۷).

زان سه نتایج<sup>۳</sup> که زاد بود غرض آدمی<sup>۴</sup> لیک پس از هر سه یافت آدمی این کار و بار<sup>۴</sup>

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۸۰)

اهمیت عدد «سه» با نگاهی به دیوان خاقانی

بعد از سه نتیجه زاد انسان بعد از سه کتب رسید فرقان  
(خاقانی، ۱۳۳۳: ۲۴۵ و ۱۳۸۲: ۳۴۷)  
۲. برخی کلمات «سه حرفی» نزد خاقانی، دارای اهمیت دوگانه است؛ به این معنی که مفهوم واژه با اهمیت عدد «سه» ارتباط دو سویه دارد و در اقتران همدیگر (مفهوم واژه با عدد سه) ابهتش افزوده می‌گردد: «سه حرف عشق (ع.ش.ق) (۳)، «سه حرف جاه (ج.ا.ه)» (۱۸۹)، «سه حرف بسم (ب. س.م)، سه حرف تاج (ت.ا.ج)» (۲۰۵)، «سه حرف عید (ع.ی.د)» (۲۲۱)، «سه معنی الف دال میم بی‌اعراب (آدم)» (۵۱).  
زیر سه حرف جاهش گنجیست و حرف آخر صفریست در میان هفت آسمان محضر  
(همان: ۱۸۹)

داغیست بر جبین سپهر از سه حرف عید ماه نو ابتدای سه حرف است بنگرش  
(همان: ۲۲۱)  
ملاحظه می‌شود که تقدیس عید فطر که با ماه نو آشکار می‌شود و ارتباط آن با عدد «سه» با چه ظرافتی انجام گرفته است ضمن اینکه هلال ماه نو به حرف «ع» تشبیه شده است.

۳. کاربرد عدد «سه» در ادیان و مذاهب و رفتار و اذکار آنها نیز مدنظر خاقانی بوده است؛ تفکر و تعمق او در کیفیات ادیان و مذاهب پیداست. با توجه به دین مادر او (عیسوی نستوری)، اطلاعات خاقانی در خصوص دین مسیحیت تعجب‌انگیز نمی‌نماید؛ دسته‌ای از ترکیبات او با ادیان و مذاهب مرتبط است:<sup>۵</sup>  
«سه اقنوم، سه فرقت (سه فرقف)» (۲۶)، «سه زنجیر» (۲۴)، «سه قبله» (۴۹، ۲۳۱)،  
«سه کتب» (۳۴۷)

سه اقنومن و سه فرقت را به برهان بگویم مختصر شرح موف  
چوقندیلیم برآویزند و سوزند سه زنجیرم نهاده دست اعدا  
(همان: ۲۴)  
دو دست و کلک تو دیدم که در تمامی وجود دو قله‌اند و لاکن سه قبله طلاب  
(همان: ۴۹)  
بعد از سه مراتب آدمی زاد بعد از سه کتب رسید فرقان  
(همان: ۳۴۷ و ۱۳۳۳: ۲۴۵)

۴. کاربرد عدد سه در مفهوم فیثاغوری آن (آغاز، میان و انجام):

«سه وقت» (۱۱۸)، «سه نوبت» (۴۶۴)، «سه بار» (۶۸). این ترکیبات گاهی کنایه از کودکی و جوانی و پیری (آغاز و میان و انجام) و گاهی کنایه از نهاره زدن سه هفته است (برهان قاطع: ذیل «سه وقت» و «سه نوبت»).

هفت فلک به خدمتش یک دل و تا ابد زده چار ملک سه نوبتش در دو سرای ایزدی  
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۶۴)

۵. کاربرد عدد سه در اصطلاحات نرد و شطرنج: «سه شش» (۱۴۳)، «سه و چهار» (۲۹۰).

دغا در سه و چار بینی نه در یک من و نقش یک کز دغا می‌گریزم  
(همان: ۲۹۰)

۶. موارد دیگر:

الف) «سه علم» (۲۱۴) که اشاره به علوم «الهیات، طبیعیات و ریاضیات» است (برهان قاطع: ذیل «سه علم»)

نمازی کز سه علم آرد فلاتون پیرزن بینی که یکدم چار رکعت خواند حاصل شد دو چندانش  
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۱۴)

ب) «سه غرفه مغز» (۵۲)، «سه گنج نفسی» (۱۴۱):

این هر دو اشاره به سه محل «فکر و خیال و حافظه» دارد (برهان قاطع: ذیل «سه غرفه مغز»). خاقانی خود نیز در تحفه العراقین به این موضوع صراحتاً اشاره می‌کند:

هر مکتب او چو هشت باغ است هر یک چو سه غرقه دماغ است  
هم حفظ و خیال و فکر آنجاست کاین هر سه از آن سه غرفه برخاست  
(خاقانی، ۱۳۳۳: ۱۰۸)

ج) «سه بُعد» که اشاره به طول و عرض و ارتفاع (عمق) دارد:

از صریح در او چار ملایک به سه بعد پنج هنگام دوم صور به یک جا شنوند  
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۰۳ و ۱۲۱، ۱۸۹، ۲۲۴، ۳۲۷)

د) «سه دختر» و «سه خواهر»:

نعش در پای چار دختر او زیور هر سه دختر افشانده است  
(همان: ۸۳ نیز ۱۲۶ و ۲۷۲)

در مدح شعر خود می‌گوید:

چادر سزد این شعار موزون بر فرق سه خواهران گردون  
(خاقانی، ۱۳۳۳: ۲۰۵)

آن سه دختر و آن سه خواهر پنج وقت  
در پرستاری به یک جا دیده‌ام  
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۷۲)

ه) «سه سرهنگ» که کنایه از آفتاب و مریخ و زحل است (مصفا، ۱۳۶۶: ۴۱۵).  
دور باش قلمت چون به سه سرهنگ رسد  
از دوم اخترش افسان به خراسان یابم  
(همان: ۲۹۹)

و) «سه جَمْرَه» (۹۴)، این واژه به دو موضوع اشاره دارد: یکی به معنای سه بار سنگ‌اندازی در مناسک حج است که به «رَمی جَمَرَات» معروف است (سجادی، ۱۳۷۴: ذیل «سه جمره») و دیگر اینکه آن را بخاری دانسته‌اند که در ماه «شَباط» در سه وقت از زمین برمی‌خیزد (هفتم و چهاردهم و بیست و یکم). نزد اعراب این سه روز، روزهای سقوط منازل ماه است (به ترتیب منازل: جبهه، زبره، صرفه) (برهان قاطع: ذیل «جمره».)  
ز) «سه ضربه دادن» (۴۲۵) کنایه از سه مرتبه بر زمین زدن (معین: ذیل «سه ضربه دادن») و به اصطلاح امروزی ضربه فنی کردن است:

در صفت یگانگی آن صف چارگانه را  
بنده سه ضربه می‌زند در دو زبان شاعری  
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۲۵)

ح) «سه قول» (۴۸۴) از اصطلاحات موسیقی، و «قول» از جمله چهار قطعه اصناف تصانیف است؛ عبدالقادر مراغی می‌گوید:

«قطعه اول را قول گویند و آن بر شعر عربی باشد و قطعه ثانی را غزل و آن بر ابیات پارسی بود و قطعه ثالث را ترانه و آن بر بحر رباعی باشد و قطعه رابع را فرو داشت و آن مثل قول باشد» (مراغی، ۱۳۵۶: ۱۰۴).

یک دودم بر سه قول کاسه‌گری  
چار کاس مغانه بستانیم  
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۸۴)

ط) خاقانی عدد «سه» را گونه‌های دیگر آن یعنی «ثلاث، ثلاثه، ثلث، مثلث، تثلیث» نیز به کار برده است: «ظلمات ثلاث» (۱۹۲)، «مرکز مثلث» (۲۲۸)، «تثلیث» (۱۰۶، ۲۶۲، ۴۱۵)....

در مورد «ظلمات ثلاثه» تعبیرات فراوانی شده است؛ آن را کنایه از سه تاریکی «صلب پدر و شکم و زهدان مادر»، سه تاریکی یونس (ع) «شب و شکم ماهی و قعر دریا»، «کدورات طبعی و هوای نفسانی و خاصیت حیوانی»، و نیز سه تاریکی «مشیمه و رحم و شکم مادر» دانسته‌اند (برهان قاطع: ذیل «ظلمات ثلاث»). «مثلث» را به اعتبار سه وجهی بودن کنایه از زمین می‌دانند و «تثلیث» از اصطلاحات نجوم بوده (قرار گرفتن

ماه در جایی که فاصله آن تا خورشید، یک سوم فلک باشد) و در احکام آن از نظرهای سعد شناخته می‌شود (مصفاً، ۱۳۶۶: ص ۷۹۷).

ی) «سه معنی»:

به یک قیام و چهار اصل و چل صباح که هست از این سه معنی الف دال میم بی اعراب (خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۱)

«یک قیام» برخاستن «آدم» پس از دمیدن جان بدو و «چهار اصل» کنایه از چهار بنیاد هستی (چهار عنصر) و «چل صباح» اشاره به چهل بامدادی است که در آن خداوند به دست خویش گل را سرشته است: «خَمَّرْتُ طِينَةَ آدَمَ بَيْدَىٰ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»؛ ضمناً در شمار ابجد «یک» برابر است با «الف»، «چهار» بر ابر است با «دال» و «چهل» برابر است با «میم» و این سه حرف نام «آدم» را می‌سازند! (کزآزی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۸)<sup>۱</sup>

(یا) «سه تشریف»:

بر سه تشریفش که خواندم یک به یک هر دو ساعت چارکان خواهم فشاند (خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۴۳)

«سه تشریف» استعاره از سه قطعه‌ای است که «مجدالدین خلیل» در مدح خاقانی گفته است:

در قصب سه دامنی آستی دو برفشان پای طرب سبک برآرار چه زمی گران سری (همان: ۴۲۰)

«قصب سه دامنی» به معنای «جامه چاکدار» است و قصب به نوعی از پارچه ظریف هم اطلاق می‌شد (معین: ذیل «قصب»):

ساقیا اسب چارگامه بران تا رکاب و سه گانه بستانیم (خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۸۳)

هم‌چنانکه از بیت نیز پیداست منظور خاقانی از «سه گانه» همان «ثلاثه غساله» است که در توضیح آن گفته‌اند: قدح اول، عطش را می‌نشانند و قدح دوم طعام را می‌گوارد و سومین، دل را شادمان می‌سازد (خرمشاهی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۷۷۵).

#### نتیجه

اهمیت عدد «سه» در اساطیر ملل ریشه دارد. همان‌طور که در متن مقاله آمد، این عدد اهمیت فراگیری داشته است و به فرهنگ و ملت خاصی مختص نیست. از طرفی آیینها و مکاتب زیادی در سراسر دنیا برپایه این عدد استوار است؛ چنانکه شاهد تثلیثهای

گوناگونی در زمینه‌های اساطیر و ادیان هستیم، حتی در برخی متون مقدس هم به مضامینی از عدد «سه» برمی‌خوریم. این عدد در کل حاوی مفهوم فیثاغوری آن (آغاز، میان و انجام) بوده در زمینه‌های مختلف از قبیل اساطیری، دینی، عرفانی، صوفیانه، فقهی و حتی طبیعت، مجال ظهور و بروز یافته است. تجلی عدد «سه» در ادبیات فارسی، بیشتر در شعر خاقانی نمود دارد که شاعری عددگراست به این معنی که از اعداد در کنار معدودهای متفاوت و طی ترکیبات مختلف بیشترین استفاده را در اشعار خود کرده و به شکلهای گوناگون از عددی خاص نام برده است. اگرچه شاعران دیگری نیز همچون نظامی، مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی، سنایی غزنوی، انوری ابیوردی و... به ذکر اعداد در اشعار خود پرداخته‌اند، خاقانی هم در شیوه کاربرد و هم در بسامد آن گوی سبقت از دیگران ربوده است؛ ترکیباتی چون «سه فرهنگ، سه جمره، سه علم، سه غرفه مغز، سه دختر، سه بعد، سه قبله، سه کتب و...» در شعر او مؤید این نکته است.

#### پی‌نوشت

۱. گفته‌اند مراد از گامهای سه‌گانه ویشنو، مکانهای خورشیدی به وقت طلوع، نیمروز و غروب است (ایونس، ۱۳۷۳: ۳۷ و هینلز، ۱۳۸۳: ۴۹۸).
۲. اعداد داخل پرانتز با فوت ۱۴ با شماره صفحه دیوان خاقانی و با فوت ۱۰ شماره ارجاع به صفحه یادداشت‌هاست.
۳. در مثنوی ختم‌الغرائب منسوب به خاقانی در خصوص چگونگی این مراتب آمده است:  
چون خاک زمین نبات گردد      تا مایه هر حیات گردد  
هر ذره که جذب می‌کند خاک      از آب و هوا و آتش و خاک  
حیوان به مشیت جهاندار      زو جذب همی کند دگر بار  
پس لب نبات و بیخ حیوان      می‌بستاند به حکمت انسان  
پس مالک هر سه مردم آمد      گر مرتبه چهارم آمد  
(افشار، ۱۳۸۵: ج ۱۳، ص ۱۸۷)
۴. مقایسه کنید با:  
نخستین فطرت پسین شمار      تویی خویشان را به بازی مدار  
(شاهنامه از روی نسخه مسکو، ص ۴)
۵. «سه اقنوم» عبارت است از: وجود و علم و حیات یا اب و ابن و روح‌القدس که به زعم نصاری ظهورات سه‌گانه خداوند است (برهان قاطع: ذیل «اقنوم»).  
«سه فرقت» نیز عبارت است از: ملکائیه، نسطوریه و یعقوبیه (شهرستانی، ۱۳۵۰: ص ۱۷۲).

به گفته دکتر سجادی این واژه در حاشیه چاپ عبدالرسولی «قرقف» به ضم هر دو قاف و به فتح و هر دو به معنای کتابی از نصاری ذکر شده است (خاقانی، ۱۳۸۲:ص ۹۸۷). مینورسکی ضمن اشاره به معنای فوق که توسط شارحان ایرانی انجام گرفته معانی «آب سرد، شراب و مرغ کوچک» را که در عربی برای این کلمه به فتح دو قاف و به ضم ذکر شده «جر، ۱۳۸۶، زیر «قرقف» و «القرقف» آورده و هیچ‌کدام را مناسب مقام نیافته اما بنا به حدس د.س. مارگلیوٹ آن را تحریف گونه‌ای از کلمه یونانی perikopy و به معنای «متن و نوشته» دانسته است (مینورسکی، ۱۳۴۸:ص ۶۷).

«سه قبله» عبارت است از قبله یهودیان، مسیحیان و مسلمانان. برخی معتقدند که منظور خاقانی کعبه، بیت‌المقدس و بیت‌المعمور بوده است (آندراج: ذیل «سه قبله»). همچنین «سه کتب» عبارت است از: زیور، تورات و انجیل (لغت‌نامه: ذیل «سه کتب»).

۶. این ترکیب به صورت «طارم سه غرفه دماغ» در منشآت خاقانی (تصحیح محمد روشن، ص ۱۹۳) نیز آمده است. به گفته ابن‌سینا این سه نیرو جزو نیروهای مدرکه باطنی هستند و منشأ کنش نیروی خیال در بطن جلویی مغز، نیروی مفکر در بطن میانی مغز و نیروی حافظه در بطن عقبی مغز است (ابن‌سینا، ۱۳۷۰: ج ۱، ۱۶۵-۱۶۳ و ناصر خسرو، ۱۳۴۱: ۲۳).

۷. «سه دختر» یا «سه خواهر» منظور سه ستاره دنباله صورت فلکی «هفت اورنگ» یا دب اکبر است که به «بنات» معروفند (برهان قاطع: ذیل «سه خواهران» و سجادی، ۱۳۷۴: ذیل «سه دختر»). مطابق گفته دکتر کزازی «دو خواهر» مناسبتر است؛ زیرا واژه «سه خواهر» به نوعی التزام تکرار در بیت می‌کند که از شأن خاقانی به دور است؛ منظور از دو خواهر دو پیکر یا همان جوز است (کزازی، ۱۳۸۶: ۳۸۱).

۸. خاقانی از آنجا که شاعری عددگر است (چنانکه در نتیجه‌گیری مقاله هم عنوان شد) از این دست ابیات که حامل و شامل حساب جمل است، بسیار دارد؛ از جمله در مقاله دوم تحفه‌العراقین می‌گوید:

آنم که به دار ضرب عالم  
هیچ است عیار من دو جو کم  
که واژه «هیچ» را با «دو جو» برابر دانسته است؛ زیرا در حساب جمل «هیچ» برابر است با عدد «هجده» و «جو» برابر است با «نه» و دو برابر آن یعنی «دو جو» با «هیچ» برابر است. ملاحظه می‌شود که تعبیر «دو جو» که عبارت از دو دانه جو است از نظر بی‌ارزش بودن با هیچ برابری می‌کند (صدری، ۱۳۷۸: ۳۳).

#### منابع

۱. القرآن الکریم، بالرسم العثماني؛ دارمکتبه الرياض
۲. آقا شریف، احمد؛ اسرار و رموز اعداد و حروف؛ تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۳
۳. آموزگار، ژاله؛ تاریخ اساطیری ایران؛ چ هفتم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.



۴. ابن سینا، **قانون در طب**؛ ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، چ ششم، تهران: نشر سروش، ۱۳۷۰، ج ۵ (۷ مجلد)
۵. ابن سینا، **معراجنامه**؛ تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی، چ دوم، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۶. احسانبخش رشتی، شیخ صادق؛ **آثارالصادقین**؛ ۳۰ جلد، گیلان: انتشارات روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، ۱۳۶۹.
۷. اسماعیل پور، ابوالقاسم؛ **اسطوره آفرینش در آیین مانی**؛ چ اول (ویراست دوم) تهران: انتشارات کاروان، ۱۳۸۱.
۸. افشار، ایرج؛ فرهنگ ایران زمین؛ چ سوم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
۹. امین، پروفیسور سید حسن؛ **چهل گفتار از چهل استاد در ایران‌شناسی**؛ تهران: انتشارات دستان و انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۱.
۱۰. **اناجیل اربعه**، ترجمه میرمحمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی؛ به کوشش رسول جعفریان، تهران: نشر نقطه، ۱۳۷۵.
۱۱. انزایی‌نژاد، رضا؛ **گزیده تفسیر کشف‌الاسرار**؛ چ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۰.
۱۲. انصاری، قاسم؛ **میانی عرفان و تصوف**؛ چ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۰.
۱۳. انقروی، شرح کبیر؛ ترجمه دکتر عصمت ستارزاده؛ ۱۵ ج، چ دوم، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۷۴.
۱۴. ایونس، و رونیکا؛ **اساطیر هند**؛ ترجمه باجلان فرخی؛ تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
۱۵. باقری، مهری؛ **دین‌های ایران باستان**؛ تهران: نشر قطره، ۱۳۸۵.
۱۶. بهار، مهرداد؛ **پژوهشی در اساطیر ایران**؛ (پاره نخست و دوم در یک جلد)، چ دوم، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۵.
۱۷. بهار، مهرداد؛ **بندهش** (فرنبغ دادگی)؛ چ دوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۰.
۱۸. پورداد، ابراهیم؛ **یشت‌ها**؛ ۲ ج، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۹. پیربایار، ژان؛ **رمزپردازی آتش**؛ ترجمه جلال ستاری؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.
۲۰. تبریزی، محمدحسین بن خلف؛ **برهان قاطع**؛ به اهتمام دکتر محمدمعین، چ دوم، تهران: انتشارات ابن‌سینا، ۵ ج، ۱۳۴۲.
۲۱. جُر، خلیل؛ **فرهنگ لاروس**؛ ترجمه سید حمید طیبیان؛ چ شانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.

۲۲. جلابی‌الهجویری، ابوالحسن علی بن عثمان؛ **کشف‌المحجوب**؛ تصحیح و. ژوکوفسکی، چ نهم، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۲.
۲۳. جلالی نائینی، سیدمحمدرضا؛ **گزیده سرودهای ریگ‌ودا**؛ چ سوم، تهران: نشر نقره، ۱۳۷۲.
۲۴. چاوش اکبری، رحیم؛ **هفت رمز نمادین فروهر**؛ چ دوم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۱.
۲۵. چهار مربع، **رساله توضیح المسائل**؛ چ هشتم، تهران: انتشارات پیام محراب، ۱۳۸۴.
۲۶. چینگ، جولیا؛ **ادیان چین**؛ ترجمه حمیدرضا ارشدی؛ تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز)، ۱۳۸۳.
۲۷. خاقانی، افضل‌الدین بدیل؛ **تحفه‌العراقین**؛ تصحیح دکتر یحیی قریب، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۳۳.
۲۸. خاقانی، افضل‌الدین بدیل؛ **دیوان**؛ تصحیح دکترضیاء‌الدین سجادی؛ چ هفتم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۲.
۲۹. خاقانی، افضل‌الدین بدیل؛ **منشآت**؛ تصحیح محمد روشن؛ چ دوم، تهران: انتشارات کتاب فرزاد، ۱۳۶۲.
۳۰. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ **حافظ‌نامه**؛ ۲ ج، چ یازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳۱. داتنه، **کمدی‌الهی**؛ ترجمه شجاع‌الدین شفا؛ ۳ ج، چ یازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۳۲. دلفی، علی‌اکبر؛ **تصویر عدد در آئینه عرفان**؛ تهران: چاپ کاویان، ۱۳۶۲.
۳۳. دورانت، ویل و آریل؛ **تاریخ تمدن**؛ مترجمان: احمد آرام، ع. پاشایی، امیرحسین آریانپور، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۳۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ **لغت‌نامه**؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۳.
۳۵. سجادی، سیدضیاء‌الدین؛ **فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح مشکلات خاقانی**؛ ۲ ج، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۴.
۳۶. شبستری، شیخ محمود؛ **مجموعه آثار**؛ به اهتمام دکتر صمد موحد؛ تهران: نشر کتابخانه طهوری، ۱۳۶۵.
۳۷. شریعتی، پرویز پژوه؛ **داستان آفرینش و تاریخ پیشدادی و کیانی در باورهای کهن ایرانی**؛ تهران: انتشارات هونام، ۱۳۷۸.
۳۸. شریف محلاتی، مؤید؛ **هفت در قلمرو فرهنگ جهان**؛ اصفهان: چاپ نقش جهان، ۱۳۳۷.

۳۹. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم؛ **الملل و النحل**؛ ترجمه افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی؛ تصحیح دکتر محمدرضا جلالی نایینی، تهران: نشر اقبال، ۱۳۵۰.
۴۰. شیخ صدوق بن بابویه، **من لایحضره الفقیه**، ترجمه صدر بلاغی و محمد جواد غفاری؛ ع، تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۷.
۴۱. صدوری، مهدی؛ **حساب جُمَّل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی**، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
۴۲. صفا، ذبیح‌الله؛ **حماسه سرایی در ایران**؛ چ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۴۳. فاطمی، سعید؛ **مبانی فلسفی اساطیر یونان و رم**؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۴۴. فردوسی، ابوالقاسم؛ **شاهنامه**؛ به کوشش ناهید فرشادمهر؛ چ سوم، تهران: نشر محمد، ۱۳۷۹.
۴۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن؛ **رسالة قشیریه**؛ ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر؛ چ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
۴۶. **کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید)**؛ ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰.
۴۷. کتابهایی از عهد عتیق (کتابهای قانونی ثانی)، ترجمه پیروز سیار؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۴۸. کرین، هانری؛ **آیین جوانمردی**؛ ترجمه احسان نراقی؛ چ دوم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
۴۹. کریستی، آنتونی؛ **اساطیر چین**؛ ترجمه باجلان فرخی؛ تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
۵۰. کزازی، میرجلال‌الدین؛ **گزارش دشواریهای دیوان خاقانی**؛ چ دوم، تهران: انتشارات نشر مرکز، ۱۳۸۶.
۵۱. محمد بن منور، **اسرالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید**؛ به اهتمام دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران: انتشارات عطار و فردوسی، ۱۳۷۸.
۵۲. محمد پادشاه، **فرهنگ آندراج**؛ ۷ ج، تهران: انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۶۶.
۵۳. مدیر و روستا، محمود؛ **اسرار الحروف**؛ تهران: انتشارات سازنده، ۱۳۸۱.
۵۴. مراغی، عبدالقادر بن غیبی حافظ؛ **مقاصدالاحان**؛ به اهتمام تقی بینش، چ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
۵۵. مصفا، ابوالفضل؛ **فرهنگ اصطلاحات نجومی**؛ چ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
۵۶. معین، محمد؛ **تحلیل هفت پیکر نظامی**؛ تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۳۸.

۵۷. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ چ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۶ ج، ۱۳۸۱.
۵۸. مقدسی، مطهر بن طاهر؛ آفرینش و تاریخ؛ ترجمه و تعلیق دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۴.
۵۹. مینورسکی، ولادیمیر؛ شرح قصیده ترسائیه خاقانی؛ ترجمه دکتر عبدالحسین زرین کوب؛ چ دوم، تبریز: انتشارات سروش، ۱۳۴۸.
۶۰. ناصرخسرو؛ زادالمسافرین؛ تصحیح محمد بذل الرحمان، تهران: انتشارات کتابفروشی محمودی، ۱۳۴۱.
۶۱. نسائی، احمد بن علی؛ سنن النسائی؛ شرح الحافظ جلال‌الدین السیوطی؛ حاشیه الامام السنندی، ج ۱ و ۲، بیروت: داراحیاء التراث-العربی، سنه ۱۳۴۸.
۶۲. نشاط، محمود؛ شمار و مقدار در زبان فارسی؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۶۳. نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی؛ چهار مقاله؛ تصحیح محمد قزوینی؛ به اهتمام محمد معین، چ یازدهم، تهران: انتشارات صدای معاصر، ۱۳۷۹.
۶۴. ویو، لویی ماری ژولین؛ فرهنگ اساطیر مصر؛ ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور؛ تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵.
۶۵. هاکس، جیمز؛ قاموس کتاب مقدس؛ چ دوم، تهران: نشر کتابخانه طهوری، ۱۳۴۹.
۶۶. الهندی البرهان فوری، علامه علاء‌الدین علی المتقی بن حسام‌الدین کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، حلب، نشر مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۰ ه. ق، جلدهای ۱، ۳، ۱۰، ۱۶.
۶۷. هومر، ادیسه؛ ترجمه میرجلال‌الدین کزازی؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
۶۸. هینلز، جان راسل؛ شناخت اساطیر ایران؛ ترجمه و تألیف باجلان فرخی؛ تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی